

سوزنه

نوجوان ۱۶ ساله؛ قربانی انتقام جویی خانوادگی

فردی که به دلیل اختلافات خانوادگی دست به جنایت زده و نوجوانی ۱۶ ساله را کشته است، دستگیر شد. قاتل در بازجویی‌ها به جرمش اقرار و انگیزه خود را از کشتن نوجوان ۱۶ ساله انتقام جویی به دلیل اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

در پی نزاع و درگیری جمعی در ۱۰ اردیبهشت سال جاری که منجر به قتل نوجوان ۱۶ ساله در یکی از روستاهای شهرستان میرجاو شده بود، ماموران به محل اعزام شدند.

پس از حضور ماموران در محل و بررسی صحنه مشخص شد، نوجوان ۱۶ ساله‌ای که بر اثر اصابت چاقو در این درگیری، مجروح و به مراکز درمانی منتقل شده بود، با وجود تلاش‌های کادر درمان به علت شدت جراحات وارده فوت شده است.

ماموران در کمتر از ۲۴ ساعت سرخ‌هایی از مخفیگاه قاتل در یکی از محلات این شهرستان به دست آورده و طی عملیاتی پلیسی او را در مخفیگاهش دستگیر کردند.

قاتل در بازجویی‌ها به جرمش اقرار و انگیزه خود را انتقام جویی به دلیل اختلافات خانوادگی عنوان کرد. □

قتل مرد میانسال هرمزگانی به دست دوستش

مشاجره دو دوست در سفر، به جنایت ختم شد.

فرمانده انتظامی هرمزگان درباره جزئیات این حادثه گفت: «پس از رسیدن گزارش به کلانتری ۱۱ بندرعباس درباره ناپدید شدن مردی ۴۴ ساله در ۱۶ فروردین امسال، کارآگاهان آگاهی به احتمال وقوع قتل مشکوک شدند و موضوع در دستور کار اداره مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی استان قرار گرفت. با اقدامات فنی و پلیسی فرد مظنون به هویت معلوم، اهل شهرستان بستک شناسایی و در بندرعباس دستگیر شد. پس از تحقیقات مقدماتی، متهم به قتل با انگیزه شخصی اعتراف کرد. مقتول از دوستان نزدیک قاتل بود که به خودروی مقتول به استان کرمان مسافرت کرده و مشاجره آنان در سفر منجر به قتل شده است.»

سردار سرتیپ دوم غلامرضا جعفری ادامه داد: «با توجه به اعتراف قاتل، گروهی از کارآگاهان پلیس به محل وقوع قتل در شهرستان سیرجان کرمان اعزام شدند. آنها با همکاری عوامل انتظامی و پلیس آگاهی این شهرستان و عوامل امداد و نجات آتش نشانی، جسد مقتول را پس از حدود ۱۸ ساعت جست‌وجو، درون چاهی به عمق حدود ۲۰۰ متر در ۱۰ کیلومتری «جاده سیرجان-بندرعباس» کشف کردند. متهم به همراه آلات قتل کشف شده از خانه‌اش به دادرس معرفی شد.» □

مکتب

کشف جسد مردی در چاه شهرک سعدی

جسد فردی ناشناس از چاهی در شیراز به عمق حدود ۹۵ متر با تلاش آتش نشانان خارج شد.

رئیس سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز از عملیات خارج کردن فردی ناشناس از چاهی به عمق ۹۵ متر خبر داد و درباره جزئیات این عملیات گفت: «عصر دوشنبه و در پی تماس با سامانه ۱۲۵ آتش نشانی و اعلام خبر وجود جسد فردی داخل چاه، بلافاصله آتش نشانان ایستگاه ۱۲ به همراه فرماندهان ارشد به محل حادثه در بلوار بوستان روبه‌روی باغ دلگشا در ارتفاعات شهرک سعدی اعزام شدند.

به دنبال اطلاع‌رسانی این حادثه آتش نشانان ایستگاه ۱۲ در قالب دو تیم عملیاتی به محل اعزام شدند. آتش نشانان با حضور عوامل انتظامی ضمن ایمن‌سازی محیط و ایجاد کارگاه با هدف بررسی داخل چاه اقدام به فرود در داخل چاه کردند. تیم‌های آتش نشان پس از عملیاتی فشرده و کار تیمی، جسدی را که متعلق به فردی بدون هویت بود، از داخل چاه خارج کردند.»

به گفته هادی عیدی پور تعداد نیروهای عملیاتی ۱۵ نفر بود که بیانگر عملیات دشوار با توجه به وضعیت جسد در عمق زیاد بود.

عیدی پور ادامه داد: «بیکر بی‌جان این فرد برای انجام اقدامات قانونی به عوامل قضایی و انتظامی تحویل داده شد.» □

نقل قول

هشدار پلیس درباره کلاهبرداری از شهروندان در پوشش مامور

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا نسبت به کلاهبرداری از شهروندان در پوشش مامور هشدار داد.

سرهنگ عبدالله چولگی در این باره گفت: «کلاهبرداری تحت عنوان مامور با شیوه و شگردهای بسیاری از سوی افراد شیاد انجام شده که با وجود ارائه هشدارهای پلیس در این خصوص باز هم شاهد شکایت‌هایی از اقصى نقاط کشور در پلیس آگاهی هستیم.»

او به تشریح چند نمونه کلاهبرداری و اخاذی در پوشش مامور پرداخت و افزود: «فردی کلاهبردار در یکی از استان‌های شمالی کشور با ظاهری رسمی و موجه پس از شناسایی سوزه‌هایش که از بین افراد مسن انتخاب شده بود با ترغیب متقلبانه مبنی بر ارائه بسته‌های معیشتی و وام کم‌بهره اقدام به فریب افراد و گرفتن پول و همچنین کارت بانکی و رمز آنها کرده و بدون هیچ ردی از خود محل را ترک و بلافاصله مبالغ موجود در حساب‌ها را برداشت کرده بود. یا مثلاً فردی در یکی از شهرستان‌های استان‌های غربی، خود را مامور وزارت اطلاعات و مسئول ویژه نظارت و خرید بعضی از وزارتخانه‌ها معرفی و تحت عنوان سرمایه‌گذاری و پرداخت سودهای نامتعارف شهروندان را اغفال و از آنان و جوهی را دریافت کرده بود.»

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی فراجا همچنین با اشاره به گزارش دیگری ادامه داد: «شخصی در یکی از استان‌های جنوب کشور، خود را مامور فراجا معرفی و با وعده سفارش در خصوص تغییر روند رسیدگی به پرونده از مالباختگان و متهمان و جوهی دریافت کرده بود.»

چولگی با هشدار به شهروندان و تاکید بر ضرورت توجه به توصیه‌های پلیس آگاهی در این خصوص تصریح کرد: «شهروندان به ادعای هر فردی که خود را مامور معرفی می‌کند، اعتماد نکنند و با عجله به خواسته آنها پاسخ ندهند.»

او با اشاره به گزارش‌های بیان شده در این رابطه گفت: «با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین علل وقوع کلاهبرداری، اعتماد بی‌جای مالباختگان به ادعاهای افراد سودجو است، لذا پیشنهاد می‌شود چنانچه شهروندان با اینگونه افراد مواجه شدند باید ابتدا نسبت به ادعاهای اعلامی از سوی افراد ناشناس حساس شده و ضمن احراز هویت در کوتاه‌ترین زمان ممکن، مراتب را به ۱۱۰ اعلام کنند.» □

نجات جان ۳ زنجانی از مرگ حتمی توسط آتش نشانان

آتش نشانان زنجانی سه نفر را که در آتش‌سوزی خانه‌ای، محبوس و مصدوم شده بودند، نجات دادند.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری زنجان درباره آتش‌سوزی خانه‌ای گفت: «ساعت ۲۲:۵۹ دوشنبه شب گذشته، حریق خانه‌ای در کوچه فرهنگ زنجان از طریق تماس تلفنی شهروندان به سامانه ۱۲۵ ستاد فرماندهی سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد.»

مجید امیرفضلی با بیان اینکه بلافاصله ۸ آتش‌نشان از ایستگاه‌های ۶ و ۲ به همراه افسر عملیات با سه دستگاه خودروی امدادی به محل حادثه اعزام شدند، افزود:

«اکتپ‌ها در ساعت ۲۳:۰۲ به محل حادثه آتش‌سوزی منزل مسکونی رسیدند.»

این مسئول با بیان اینکه زمان رسیدن نخستین اکیپ به محل آتش‌سوزی منزل مسکونی، ۳ دقیقه بوده است، ادامه داد:

«بلافاصله سه نفر که در خانه محبوس و مصدوم شده بودند، رهاسازی و تحویل عوامل اورژانس شدند.

پس از رهاسازی، نسبت به اطفای حریق و ایمن‌سازی محل، اقدامات لازم انجام شده است.»



چطور شهره لورفت

حمید، شهره را به پلیس لو داد؛ به اصطلاح خودشان فروخت. این متهم در بازجویی‌ها برای انتقام جویی از زن ۳۸ ساله، نامش را به پلیس داد. از چندی پیش پلیس غرب پایتخت، با شکایت‌های قطاروار سرقت‌های سریالی، مواجه شد.

تحقیقات پلیسی کلید خورد. در بررسی‌های صورت گرفته و با بازبینی دوربین‌های مدار بسته، تصویر سارق شناسایی شد. زمانی که تصویر متهم جوان با تصاویر آلبوم متهمان اداره آگاهی تطبیق داده شد، هویت او شناسایی شد.

حمید از متهمان سابقه‌دار اداره آگاهی بود و با شناسایی متهم، تحقیقات برای دستگیری او ادامه یافت. در نهایت کارآگاهان موفق به بازداشت سارق جوان شدند. حمید زمانی که در مقابل افسر پرونده‌اش قرار گرفت نه تنها به سرقت‌های سریالی از خانه‌ها اعتراف کرد، بلکه از خانه‌ای را برملا کرد که پاتوق خلافکاران بود.

هویتی جدید

«در فضای مجازی با دختر جوانی آشنا شدم. قصدم ازدواج بود. او در زندگی تنها یک شرط برای

روایت «شهره» از قاچاق مواد تا اجاره ساعتی خانه به مجرمان سرشناس

خلافکارترین زن شهر

مریم رضاخواه از دنیای خلاف خداحافظی کرد البته به ظن خودش. خانه‌اش را اما پاتوق خلافکاران کرده بود. ساعتی و روزانه به مجرمان اجاره می‌داد. اجاره می‌داد تا نقشه‌های تبهکارانه‌شان را طراحی کنند. نامش شهره است؛ ۳۸ ساله. گذشته‌اش سیاه است، آینده‌ای هم ندارد.

روزگار تلخ

شال سفید و مشکی‌اش را روی سرش جابه‌جا می‌کند. ماسک سفید رنگ صورتش را پنهان کرده. می‌خواهد چهره‌اش زیر ماسک، ماسکه شود: «۱۶ سال داشتم که سر سفره عقد نشستیم. نه از روی رضایت، از سر اجبار. پدرم من را به یک قاچاقچی فروخت. همه زندگی‌ام شد مواد مخدر. روزگار سیاهی داشتم. نه شوهرم را می‌خواستیم نه آن زندگی را. همه چی از سر اجبار بود، حتی ماندن در آن زندگی. شوهرم قاچاقچی بنام بود. کیلو، کیلو مواد مخدر قاچاق می‌کرد.»

آزادی از برزخ مرد قاچاقچی

۳۸ سال دارد اما شبیه ۵۰ ساله هاست. ته‌لچچه دارد، لهجه‌ای نامشخص. نه ترکی، نه کردی، نه لری و نه گیلک یا حتی مازنی. لهجه‌اش شبیه هیچ جا نیست. صورتش سبز و کشیده است. لاغر و نحیف. با دستانی سیاه‌تر از پوست صورتش. همزمان با پرتاب کلمات از دهانش، دو دستش را هم حرکت می‌دهد. با زبان بدن صحبت می‌کند. «آخر از آن زندان آزاد شدم. شوهرم را به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم کردند. اعدام هم شد و سند آزادی من مهر و موم.»

با اعدام فرامرز از آن جهنم به تهران آمدم، اما تنها بودم و بدون پشت‌وپناه. در پایتخت روزها و شب‌ها سرگردان بودم تا اینکه جذب باندی شدم.

باندی که دختران و زنان جوان را طعمه مردان ثروتمند قرار می‌دادند تا اخاذی کنند. اخاذی، کار اصلی‌ام شده بود اما جیب‌بری هم می‌کردم. می‌خواستیم پولدار شوم تا بتوانم خانه و ماشین داشته باشم. ولی خرجی نمی‌کردم. هرچه از خلاف به دست می‌آوردم همه‌اش پس‌انداز می‌شد. به دلار و سکه تبدیل می‌کردم. با پول‌های جیب‌بری و اخاذی خانه‌ای در جنوب تهران خریدم، اما خیلی زود به زندان افتادم. باید تاوان همه خلاف‌هایم را می‌دادم. برای همین خانه را خریدم و مدتی بعد هم به زندان افتادم.»

پاتوق خلافکاران خانه شهره بود

داستانش با بغض‌های سنگین ادامه داشت. «مدتی در زندان بودم. با دنیای خلاف خداحافظی کردم. دیگر زندگی داشتیم. نمی‌خواستیم جیب‌بری و سرقت کنیم. از اخاذی متنفر شده بودم. به هر حال روزهای سختی بود. دلپهره گیر نیفتادن و استرس جذب طعمه. همه اینها کار را سخت می‌کرد. تصمیم خودم را گرفتم تا دور خلاف را خط بکشم. همین کار را هم کردم، اما باید درآمدزایی می‌کردم. خانه‌ام را پاتوق خلافکاران کردم. به آنهایی که جاومکانی برای طراحی نقشه‌هایشان احتیاج داشتند، خانه‌ام را اجاره می‌دادم. به جای اجاره هم طلا، سکه و وسایل سرقتی و حتی مواد مخدر می‌گرفتم، اما دیواره دستگیر شدم. اصلاً صورتش را هم نمی‌کردم اشتباه کرده باشم.»

این خلاصه زندگی شهره است، زنی که پس از دستگیری در خانه‌اش پیش روی بازپرس دادسرای جنایی نشسته و داستان زندگی‌اش را بازگو می‌کند. اتهامش اجاره ساعتی و روزانه خانه‌اش به تبهکاران شهر است.

بازداشت زورگیران راننده‌های تاکسی اینترنتی در جاده بهشت زهرا(س)

سارقان خشن پس از دستگیری به سرقت از راننده‌های خودروهای عبوری و تاکسی‌های اینترنتی به مقصد بهشت زهرا(س) اعتراف کردند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح جزئیات این خبر گفت: «چندی قبل مرد جوانی که راننده تاکسی اینترنتی بود به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ مراجعه و به کارآگاهان اعلام کرد که سه نفر را به عنوان مسافر به مقصد بهشت زهرا(س) سوار کرده و در مسیر مردان جوان با تهدید چاقو پنج میلیون ریال پول و تلفن همراهش را به سرقت برده و پس از ضرب و جرح او متواری شده‌اند.»

سرهنگ علی ولیپور گوردزی ادامه داد: «کارآگاهان در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و روش‌های علمی هویت متهمان را شناسایی کردند و متوجه شدند متهمان اتباع کشورهای همسایه

اعتراف سارق به ۳۰ دزدی از خودروی کارمندان

یک سارق لوازم و محتویات خودرو در گشت‌زنی‌های انتظامی دستگیر شد. متهم به ۳۰ سرقت از خودروهای کارمندان و افراد مراجعه به مراکز دولتی اعتراف کرد.

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت درباره جزئیات این پرونده گفت: «ظهر دوشنبه ماموران کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در راستای اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی، در محدوده «بلوار دادمان» تهران در حال گشت‌زنی بودند که به خودرویی که راننده آن کنار خودروهای پارک‌شده در کنار خیابان توقف کرده بود، مشکوک شدند. بررسی‌های اولیه ماموران نشان می‌داد، پلاک خودرو به طرز ماهرانه‌ای مخدوش شده است و همین سرنخ کافی بود تا ماموران برای بررسی‌های بیشتر به متهم مراجعه کنند. راننده خودرو که در حال بازکردن لاستیک خودروی پارک شده بود پس